

اختلاط اجتماعی و پایداری اجتماعی: بررسی رابطه اختلاط اقشار اجتماعی و

طراحی محلات پایدار شهری

کوثر عساری آرانی^۱

۱- کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، kowsar.assari@gmail.com

چکیده

تغییرات چشمگیر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شهرها، افزایش اختلاف طبقاتی و در پی آن نابرابری اجتماعی را موجب شده است. پیامد فضایی این روند، شهرها را تبدیل به فضایی موزائیکی از تفاوت‌های اجتماعی نموده است. این در حالی است که مدل‌های پایداری، تنوع اجتماعی و برابری را در مقابل جدایی‌گزینی اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند و اختلاط اجتماعی را به عنوان روشی برای ایجاد پیوستگی اجتماعی و فرصت‌های اقتصادی مطرح نموده‌اند. از این منظر، در سطح محلات شهری که ارتقاء اجتماع محلی، تساوی حقوق و افزایش آزادی انتخاب از اهداف پایداری اجتماعی محله مطرح می‌شود، اختلاط اجتماعی مورد تأکید است. هدف مطالعه حاضر، بررسی چگونگی اثرگذاری رویکرد اختلاط اجتماعی بر پایداری اجتماعی محلات شهری و ارائه مقدمه‌ای در باب روش‌های بکارگیری این رویکرد در طراحی محلات می‌باشد. شناخت مفاهیم مربوط به مبانی نظری این مطالعه و آشنایی با نظریه پردازان مطرحی که نظرات آنها در ارتباط با محتوای این تحقیق قابل استفاده بوده از طریق مطالعه اسنادی و اینترنتی به دست آمده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد ارتباطی روشن میان تنوع اجتماعی و پایداری اجتماعی وجود دارد و تنوع اجتماعی به عنوان یکی از اهداف اصلی پایداری اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. همچنین در سطح محلات شهری اختلاط گروه‌های مختلف اجتماعی، از سطوح متفاوت درآمدی، سنی و بعد و نوع خانوار نه تنها عاملی مؤثر در کاهش تمرکز فقر و نتایج ناشی از آن بوده بلکه در زمینه افزایش تعاملات بین گروه‌های مختلف جهت رشد اجتماعی و فردی تأثیر گذار است. این پژوهش همچنین نمونه‌ای از میزان ارتباط اهداف پایداری اجتماعی محلات و استراتژی طراحی شهری جهت ایجاد تنوع اجتماعی ارائه نموده است.

واژه‌های کلیدی: اختلاط اجتماعی، جدایی‌گزینی اجتماعی، پایداری اجتماعی، محله شهری، طراحی شهری

۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر شهرها دچار تغییرات چشمگیر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شده‌اند؛ عواملی چون تغییر اقتصاد شهری از صنعت به خدمات و تحول ماهیت کار و تکنولوژی، منجر به افزایش اختلاف طبقاتی و در پی آن نابرابری اجتماعی شده است. پیامد فضایی این روند، شهرها را به قطعاتی تفکیک کرده است که هر قطعه با قطعه دیگر به دلیل فاصله اجتماعی جدا شده است. از طرف دیگر، ترس از افراد بیگانه و متفاوت از خود، عاملی بر جدا نگه داشتن گروه‌های مختلف اجتماعی از یکدیگر است و این ترس نمودی کالبدی به خود گرفته و یا به شکل فاصله نمایان می‌شود.